

# کتابخانه‌های هرات عهد تیموری و نقش آن در شکوفایی و ارتقاء علم و دانش

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۲۷

محسن پرویش<sup>۱</sup>

عبدالرفیع رحیمی<sup>۲</sup>

## چکیده

دوران زمامداری جانشینان تیمور (۹۱۱-۸۰۷ ق.) را باید دوران اوج و شکوه کتابخانه‌ها دانست. یکی از مراکز آموزشی دوره تیموریان، کتابخانه‌ها بودند که در این دوره از رونق فراوانی برخوردار بودند. از آن‌جا که کتاب و ایجاد کتابخانه قبل از اختراع چاپ به رواج خط و هنر خوشنویسی بستگی تام داشت، بنابراین هر وقت که از طرف سران و زعمای حکومت و مردم اقبال و توجهی به خط و خوشنویسی مبذول می‌شد کتاب و کتابخانه رونق می‌گرفت. ویژگی منحصر به فردی که این مسأله را قوت می‌بخشید تداوم این شکوه و جلال در تمام دوره تیموریان در سراسر ایران و به ویژه خراسان است. از جمله دلایل رشد و رونق کتابخانه‌ها، استفاده‌ای است که محققان و مؤلفان از کتابخانه و منابع آن برای تألیف و تدوین آثار خود می‌کردند. غالب این آثار به سفارش امرا و یا دست‌اندرکاران کتابخانه‌ها صورت می‌پذیرفته است. از جمله مشهورترین نویسندگان و دانشمندانی که در کتابخانه‌های سلاطین تیموری به خلق آثار خود پرداخته‌اند، می‌توان به خواندمیر، شرف‌الدین علی یزدی و غیاث‌الدین جمشید کاشانی اشاره کرد.

**واژگان کلیدی:** کتاب و کتابخانه، تیموریان، هرات، امرا و وزرای تیموری.

---

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین. نویسنده مسؤل mohsen.parvish@yahoo.com

agabeigom@yahoo.com

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

## مقدمه

هر چند اهمیت کتاب و کتابخانه در تاریخ ایران به گذشته‌های بسیار دور بر می‌گردد، اما این مقوله، با ورود آئین اسلام به ایران و پذیرش آن توسط ایرانیان و نیز تأکیدات متون و نصوص اسلامی، اهمیت کتاب و کتابت به جایگاهی بسیار منیع و والایی ارتقاء پیدا کرد. بدون تردید کتابخانه‌ها، یکی از مهمترین مؤسسات فرهنگی در تمدن اسلامی بودند که مسلمانان به آن افتخار می‌کردند. در این زمینه، می‌توان گفت که دوران شکوفایی و اوج هنر هرات بدون تردید به دوره تیموریان بر می‌گردد. به‌ویژه در دوره صدساله سلطنت شاهرخ، سلطان ابوسعید و سلطان حسین بایقرا، این شهر مرکز تجمع دانشمندان و هنرمندان و محل رونق و شکوفایی هنرهایی چون کتاب‌سازی، مینیاتوری، تذهیب و خوشنویسی بوده است. در عصر تیموریان دارالسلطنه هرات به صورت دارالعلم بزرگی درآمد و از اطراف و اکناف جهان، دانشجویان و دانشمندان و هنرمندان بدان کانون فرهنگ و ادب روی آوردند، به‌طوری که در این کانون عظیم هنری، در تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران مکتبی پدیدار شد که به نام مکتب هرات مشهور گردید. در این زمان در هرات - به‌عنوان مرکز واقعی مدنیت - هنر خطاطی و کتاب‌آرایی توسعه یافته و به اوج تکامل می‌رسید. زمینه‌ی این پیشرفت در هرات و در زمان شاهرخ میرزا به وی امکان می‌داد که اهل علم و ادب و هنر و صنعت خراسان را از سایر ولایات تابعه‌ی تیموریان در هرات گردآورد.

مقاله‌ی حاضر در پی پاسخ به این سؤال اساسی است که با توجه به جایگاه رفیع و منیع کتاب و کتابخانه در هرات عهد تیموری، این مقوله، چه نقشی در توسعه، گسترش و ارتقای علم و دانش و نیز فرهنگ داشته است؟

براساس فرضیه‌ی محقق، چون کتاب و کتابخانه یکی از ابزارهای اساسی توسعه و تولید علم و دانش است، طبیعتاً در دوره‌ی مذکور، حمایت و همت امیران، وزیران و عالمان آن دوره از کتاب و کتابخانه، موجب توسعه و ارتقای فرهنگ و تمدن جامعه ایرانی - اسلامی گردید.

### اهمیت و جایگاه کتاب و کتابخانه در عهد تیموری

در تاریخ روابط دولت تیموریان با دیگر حکومت‌ها به دفعات دیده می‌شود که کتاب را به‌عنوان نفیس‌ترین و ارزشمندترین هدیه به همراه سفیران و نمایندگان می‌فرستادند. به نظر می‌رسد هر امیر یا وزیری که می‌خواست خود را ادب‌پرور و هنردوست نشان دهد، کتاب را تحفه‌ای مناسب می‌دانست و در عین حال هنر و خلاقیت کتاب‌آرایان و نسخه‌پردازان دربار خود را به رخ دیگران می‌کشید. شاید بهترین نمونه در تأیید ارزش فوق‌العاده نسخه‌های نفیس در این دوره، ماجرای است که بنایی هروی نقل می‌کند. وی در بیان اوایل ظهور حسین بایقرا در صحنه سیاسی ایران و آن هنگام که در رویارویی با سپاه سلطان ابوسعید گورکانی (۸۷۳-۸۵۵ ق.) مجبور به فرار و ترک اردوی خود در خوارزم می‌شود، نقل می‌کند که یکی از سرداران ابوسعید پس از فتح اردوی او، آنچه به غنیمت برد، چند کتاب نفیس از کتابخانه حسین بایقرا بود (هینتس، ۱۳۶۲: ۱۸۸) و این نکته بسیار در خور تأمل است که برای یک سردار جنگی نیز، کالایی گران‌بهارتر از کتاب در تشکیلات یک فرمانروای مغلوب وجود ندارد.

یکی از نخستین کتابخانه‌های هرات که با مشخصات مذکور همخوانی داشت، کتابخانه شاهرخ است. اطلاعات درباره کتابخانه شاهرخ اندک است و اغلب نمی‌توان درباره‌ی آن داوری کرد. شاهرخ در سال ۸۱۳ ق. که مدرسه و خانقاه هرات را در برابر قلعه اختیارالدین بنا کرد که در آن «نفایس کتب مشتمل بر اصول و فروع و محتوی بر معقول و مشروع در صنایع پرداخته و معدّ و مهیا ساخته» (سمرقندی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۱۸۷) و در آن قرار داد و دانشمندانی چون جلال‌الدین یوسف، جلال‌الدین اوبهی، ناصرالدین لطف‌الله در آن به تدریس پرداختند. وی، مولانا خطاط بغدادی را کاتب مخصوص خود گردانید و طبیعتاً او سر دست‌های کاتبان کتابخانه همایونی بوده است. کتابت مجمع التواریخ سلطانی حافظ ابرو حاکی از آن است که او بخشی از کاتبان و کتاب‌های تبریز و بغداد و حتی شیراز را به هرات منتقل کرده است. بر این کتابخانه املاک فراوان وقف نمود تا حقوق استادان و اهل تحقیق، کارمندان و کتابداران را از محل عواید آن تأمین نماید (اسفزاری، ۱۳۳۸، ج ۱: ۵۵۴). از آن جا که شاهرخ خود علاقه‌ی

وافری به ادبیات و فرهنگ ایران داشت، لذا بسیاری از تاریخ‌نگاران را به نگارش کتاب‌های سودمند برانگیخت و برای آنان در دارالسلطنه هرات کتابخانه بزرگی - آراسته به انواع کتب در زمینه‌های گوناگون - تأسیس کرد. در میان خطاطان چاپک‌دست دربار شاهرخ، مولانا هروی را می‌توان نام برد که نه تنها از خوشنویسان دربار شاهرخ بود بلکه در دربار بایسنقر میرزا نیز احترام و منزلتی کسب نمود. وی چندگاهی سمت کتابداری کتابخانه شاهرخ را در هرات برعهده گرفت (دولتشاه سمرقندی، ۱۳۳۵، ج ۱: ۱۳۴).

گویا کتابخانه شاهرخ شهرت جهانی داشته است، چنان‌که آورده‌اند که در سال ۸۳۳ ق. فرستاده سلطان مصر، سلطان چخماق در دیدار با شاهرخ عرض می‌کند که سلطان مصر از کتابخانه شاهرخ پنج کتاب را خواسته است؛ از جمله تأویلات اهل سنت شیخ ابومنصور ماتریدی، تفسیر کبیر امام فخرالدین، شرح تلخیص جامعه و شرح کشف مولانا علاءالدین پهلوان و نام کتاب پنجم مشخص نشده است. شاهرخ درخواست او را اجابت کرده و با وجودی که همه آن کتاب‌ها در کتابخانه وی موجود بود، همه را کتابت کرده و برای وی فرستاد (همان: ۷۲۵).

از دیگر کتابخانه‌های هرات که نقش بسیار مؤثری در تولید علم و دانش آن عصر داشت، کتابخانه بایسنقر میرزا است. غیاث‌الدین بایسنقر، معروف به بایسنقر میرزا و ملقب به بایسنقر بهادرخان، سومین پسر شاهرخ (۸۰۲-۸۳۷ ق.) سلطان قدرتمند تیموری است. به تصریح بیشتر مورخان دوره تیموری، تولد او در ۲۱ ذیحجه ۷۹۹ ق. و در شهر هرات بوده است (خوافی، ۱۳۳۹، ج ۳: ۱۴۰؛ خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۳: ۴۶۸). سرانجام بایسنقر در ۷ جمادی‌الاول سال ۸۳۷ ق. در باغ سفید هرات و در کنار کتابخانه باشکوه خود درگذشت و در گورستان متعلق به مدرسه گوهرشاد هرات دفن گردید. از وی سه پسر به نام‌های علاءالدوله، سلطان محمد، و ابوالقاسم بابر به‌جای ماند که هر یک حکومت کوتاه مدتی در برخی مناطق خراسان و ماوراءالنهر داشتند (قزوینی، ۱۳۶۳: ۳۱۴).

اهمیت و شهرت بایسنقر میرزا پیش از حکومت‌داری و سیاستمداری به‌دلیل عشق سرشار و علاقه بسیار وی به علم و ادب و کلیه فنون و هنرهای زیبا اعم از شعر، موسیقی،

نقاشی و معماری بود (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۳: ۲۳۵). شهر هرات در دوره تیموریان دارای کاخ‌های بسیار باشکوهی بود، ولی کاخ بایسنقر میرزا که به «باغ سفید» معروف شده بود شکوه و جلال دیگری داشت. این کاخ بیرون از شهر و درست در سمت شمال آن بنا گردیده بود. همان‌طور که اشاره شد در این باغ، بایسنقر میرزا کتابخانه‌ای داشت که هنرمندان معروف آن دوره به فعالیت‌های هنری خود مشغول بودند (اصفهانی، ۱۳۶۹: ۷۲؛ خوافی، ۱۳۳۹، ج ۳: ۲۰۴). خواندمیر در مورد بایسنقر میرزا و هنرپروری و هنردوستی وی می‌گوید: «با وجود وفور جاه و جلال و کثرت حشمت اقبال به مجالست ارباب علم و کمال به غایت راغب بود و در تعظیم و تبجیل اصحاب فضل و هنر در هیچ وقتی از اوقات اهمال و اغفال نمی‌نمود و خردمندان کامل از اطراف و اکناف ایران و توران به هرات آمده، در آستان مکرمت آشیانش مجتمع بودند... و هر کس از خوشنویسان و مصوران و نقاشان و مجلدان در کار خویش ترقی می‌کرد به همگی همت به حالش می‌پرداخت» (خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۳: ۶۲۲). بایسنقر علاوه بر اینکه خود از خوشنویسان و هنرمندان بود، اهل هنر را تشویق بسیار می‌کرد. ریاست کتابخانه بایسنقر را جعفر تبریزی برعهده داشت که پس از فتح تبریز همراه بایسنقر به هرات آمده بود. بایسنقر میرزا از بزرگان کتاب دوست جهان به‌شمار می‌رود و بر اثر تشویق و ترغیب او بی نظیرترین و نفیس‌ترین نسخ هنری جهان خلق شد. علاقه و اشتیاق وافر بایسنقر به جمع‌آوری نسخه‌های نفیس از سراسر آسیا موجب گردید که در مدت کوتاهی، آثار بسیاری از پیشینیان که از حمله مغول درآمان مانده بود، با صرف هزینه‌های هنگفت خریداری و در کتابخانه جمع‌آوری شود. بخش دیگر مجموعه کتابخانه را کتاب‌هایی تشکیل می‌داد که در خود کتابخانه استنساخ گردیده بود.

تعداد هنرمندانی که در کتابخانه بایسنقر سرگرم فعالیت بودند، گاهی از صدها نفر تجاوز می‌کرد. عده‌ای هنرآموز جوان نیز در این کتابخانه مشغول هنرآموزی بودند. کتابخانه هرات در واقع مرکز هنر آن دوره بود. عده‌ای از متخصصین تاریخ هنر، این کتابخانه را «آکادمی هنر بایسنقری» نامیده‌اند. در این مرکز هنری، عده‌ای دور هم جمع شده به کارهای خوشنویسی، تذهیب، تصویر و جلدسازی مشغول بودند. تأسیس

این کتابخانه برای پیشرفت هنر نقاشی، امکانات وسیع‌تری فراهم ساخت و در سایه فعالیت‌های مداوم هنرمندان این کتابخانه، هنر کتاب‌آرایی راه ترقی و تکامل را در پیش گرفت.

از منابع دوره تیموری، چنین بر می‌آید که کتابخانه بایسنقر دو کارکرد اساسی داشته است، یکی کتابت کتب جدید و دیگری، امر کتابداری و خدمات وابسته به آن بوده است. دولت‌شاه سمرقندی در همین باب می‌نویسد: «گویند که چهل کاتب خوشنویس در کتابخانه او [بایسنقر میرزا] به کتابت مشغول بودند و مولانا جعفر تبریزی سرآمد کاتب بوده» (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۳۸: ۲۶۴)

نسخه‌های نفیسی که از کتابخانه بایسنقر به جای مانده بهترین نمودار ترقی و تکامل فن کتاب‌سازی و هنر تجلید و تذهیب و نقاشی در ایران به‌شمار می‌رود. به‌عبارتی تأسیس کتابخانه بایسنقری با آن هنرمندان خوش ذوق، به رونق علم لغت‌شناسی و درک و دریافت متن آثار منثور و منظوم و پیشرفت هنر کتاب‌سازی و کتاب‌آرایی انجامید. به عقیده مارتین<sup>۱</sup> یکی از بزرگ‌ترین کارشناسان نقاشی و مذهب‌کاری مشرق زمین، بایسنقر میرزا برای ایران مانند ویلیام موریس<sup>۲</sup> (۱۸۹۶-۱۸۳۸م.) شاعر و نقاش و نویسنده مشهور انگلیسی که از معاریف رجال صنایع مستظرفه آن ملت است، به‌شمار می‌آید که در چهارصد سال بعد در انگلستان به‌وجود آمد. آنها اسلوب جدیدی در فن کتابت اختیار کردند، ولی کتاب‌های شاهزادگان تیموری که به جنبه اشرافیت آنها تناسب داشت محکم‌تر و زیباتر بود. ظریف‌ترین کتاب‌های اروپایی و نسخ خطی موجود جز در بعضی موارد نادر با کتاب‌های شرقی زمان تیموریان از حیث ظرافت برابر نیست (براون، ۲۵۳۷، ج ۳: ۵۵۳-۵۵۴). بایسنقر میرزا بانی زیباترین مکتب کتاب‌سازی در ایران بوده است و در هیچ دوره‌ای به اندازه زمان او، نسخه‌های نفیس و زیبا نوشته و تصویر نشده است، به‌طوری که در کمتر کتابخانه‌ای در جهان ممکن است از کتاب‌های کتابخانه بایسنقر نسخه‌ای یافت نشود.

---

1. martin  
2. william morris

### کتابخانه سلطان حسین بایقرا

از دیگر کتابخانه‌های معروف هرات باید از کتابخانه‌ی سلطان حسین بایقرا نام برد. سلطان حسین بایقرا از سلاطین دانشمند و دانش‌پرور تیموریان است. وی آخرین پادشاه تیموری است که مدتی طولانی در شرق ایران حکومت کرد. بایقرا در محرم ۸۴۲ ق. در هرات به دنیا آمد (میرخواند، ۱۳۳۹، ج ۷: ۸). پدرش غیاث‌الدین منصور، فرزند بایقرا بود. این بایقرا [که فرزند شیخ عمر است] از نوادگان تیمور بود که به قولی در سال ۸۲۶ ق. در بادغیس به قتل رسید (گلاس، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۰۷-۲۰۶).

درباره وضعیت فرهنگی می‌توان گفت که اهمیت پادشاهی دراز مدت سلطان حسین بیشتر از جهت فرهنگی و تمدنی است، نه از جهت سیاسی. هرات تحت فرمانروایی وی، پایتخت و چراغ پر نور علم و مدنیت زمان شد. در آن مدارس، خانقاه‌ها و کتابخانه‌های متعدد بنا شد و دانشوران و هنرمندان و نویسندگان و سرایندگان از گوشه و کنار جهان اسلام بدان روی آوردند. شکل‌گیری دبستان معروف به مکتب هرات - در هنر، معماری، شعر، نقاشی، تزیین، تذهیب، خوشنویسی و کتاب‌آرایی - در این دوره اتفاق افتاد. هرات در این دوره به جایی رسید که برخی معتقدند هرات قرن نهم هجری از شهرهای معروف ایتالیای دوره رنسانس هرگز چیزی کم نداشته است. از اقدامات سلطان حسین بایقرا، برای پیشبرد فرهنگ، ایجاد بناهای عمومی از قبیل باغ، مسجد، مدرسه و خانقاه بوده است. به‌عنوان نمونه، عمارت مصلا در نوع خود یک مجتمع آموزشی یا یک شهرک دانشگاهی بود.

فرمانروایی سلطان حسین بایقرا در هرات مقدمه دوران باشکوهی شد که می‌توان آن را رستاخیز هنر ایرانی عهد تیموری نام نهاد. رستاخیزی که باعث شد هنرهایی چون موسیقی، فلزکاری، آب‌گینه و چینی‌سازی و کاشی‌کاری ایرانی نیز تکامل یابد و بدین‌سان، مقدمات نهضت علمی، ادبی و هنری بزرگی فراهم آمد که در عهد صفوی به اوج خود رسید. خواندمیر (۱۳۷۲: ۱۸۳-۲۰۰). در خلاصه‌الخبار به ذکر نمونه‌های مختلفی از مدرسه، مصلی، خانقاه، دارالشفای و جز آن در هرات و سایر مناطق خراسان می‌پردازد که همگی در زمان حسین بایقرا و با حمایت‌های وی بنا گردیده است.

در سال‌های زمامداری او، کتابخانه‌ها از رونق کم‌نظیری برخوردار بودند. علاوه بر مدارس متعددی که در آنها کتابخانه احداث گردیده بود، دربار او در هرات نیز کتابخانه‌ای مجلل و باشکوه داشت و خوشنویسانی چون سلطان‌علی مشهدی، خواجه محمد حافظ، مولانا زین‌الدین محمود و سایر خوشنویسان زبده در آنجا کتابت کرده‌اند (همان: ۳۰۳). نقاشان متعددی نیز در این کتابخانه به کتاب‌آرایی مشغول بوده‌اند که بلند آوازه‌ترین آنها، کمال‌الدین بهزاد، نقاش نامدار اواخر تیموری و اوایل صفویه است. میرک نقاش، مولانا حاجی محمد، مولانا محمد اصفهانی، و قاسم‌علی چهره‌گشا از دیگر نقاشان کتابخانه حسین بایقرا بوده‌اند (همان: ۲۴۱-۲۴۲).

این کتابخانه بنام کتابخانه همایونی و کتابخانه سلطنتی هرات نیز معروف است. اساس کتابخانه در زمان شاهرخ میرزا پی‌ریزی شده بود اما توجه فرهنگ خواهانه سلطان حسین بایقرا در توسعه و انکشاف مزید آن مؤثر واقع شد و کتابخانه را علاوه بر تنظیم کتب در رسائل مرکز فعالیت‌های خوشنویسان، کاتبان، نقاشان، جدول‌کشان، زرکوبان و سائرین که به امور مذکور منسوب بودند. رئیس کتابخانه حسین بایقرا، میرک نقاش بوده است (حبیبی، ۱۳۵۵: ۵۱). در کتاب منشأ الانشاء، منشوری از جانب حسین بایقرا با عنوان «فرمان کتابداری کتابخانه همایون» آورده شده، در بخشی از این فرمان، که با نثری متکلف و با ذکر مقدمه‌ای در اهمیت کتاب و کتابخانه تنظیم گردیده، چنین آمده است:

«بر ناظران فواید کتابخانه افکار، و متمتعان از فواید شعور، پوشیده نماند... روضه خزانه ما را که مَشْرَع و منبع عیون معارف و عوارف است، به واسطه ینابیع مجمل و مفصل، و اصول و فروع مختصر، و مطوّل و معقول و مسموع، بر خوبتر هیأتی نمودار گلستان فردوس و بوستان جنان گردانیدیم و مقالید اختیار ضبط و ربط کتابخانه همایون را که مفتاح کنز حقایق و ایضاح رمز دقایق است... به ید استحقاق [در اینجا نام مخاطب نامه افتاده است]... سپردیم» (نظامی باخزری، ۱۳۵۷: ۲۰۴).

سلطان حسین بایقرا در یازدهم ذیحجه سال ۹۱۱ ق. درگذشت و در شهر هرات دفن گردید. با مرگ وی، سلسله تیموریان (۹۱۱-۷۷۱ ق.) در ایران منقرض گردید، اما



برخی شاهزادگان تیموری، حکومت‌های محلی و کوتاه مدتی را در نقاطی از خراسان و ماوراءالنهر در اختیار داشتند.

علاوه بر کتابخانه‌های مذکور که حقیقتاً با عظمت و باشکوه بوده و نقش بسیار مؤثری در بالا بردن سطح فرهنگ و تمدن آن عصر داشته‌اند، کتابخانه‌های دیگری نیز در آن دوره تأسیس گردیدند که هرچند در ظاهر، به گستردگی و عظمت کتابخانه‌های مذکور نبودند، اما از کارکردی مشابه آن‌ها یعنی ارتقای فرهنگ و تمدن و تولید علم و دانش برخوردار بودند.

### کتابخانه امیر علیشیر نوائی

نظام الدین امیر کبیر معروف به امیر علیشیر نوائی معروف‌ترین و کاردان‌ترین وزیر دوره تیموری و از بزرگ زادگان خاندان جغتایی، حاکم ماوراءالنهر و کاشغر و بلخ و بدخشان بود. امیر علیشیر که شیفته کتاب بود برای خود کتابخانه‌ای فراهم آورده بود که گذشته از جمع‌آوری نسخه‌های نایاب و نادر، نسخه‌هایی نیز توسط خطاطان شهیر چون سلطان علی مشهدی و محمد نور و خواجه عبدالله مروارید و امثالشان برای او می‌نوشتند و کتابخانه خود را بدان‌ها زینت می‌بخشید.

امیر علیشیر برای اداره کتابخانه نفیسیش دانشمندی را برگزیده بود که در فنون مختلف استاد بود. این کتابدار، مولانا حاج محمد ذوفنون نام داشته است. ذوفنون چند سالی رئیس کتابخانه امیر علیشیر نوائی بوده و کمر به خدمات ارزنده‌ای بسته بود. علاوه بر این کتابخانه‌ی بزرگ که جنبه عمومی داشت برای کلیه مدارس و مساجد، کتابخانه‌ای ذی‌قیمت فراهم کرده بود و هر یک از دانشمندانی را که از کتابخانه او استفاده می‌کردند از مقرری ماهانه بی‌نصیب نمی‌گذاشت (علیشیر نوائی، ۱۳۲۳: ۲۴۴؛ سام میرزا، ۱۳۸۴: ۱۷۹). خواندمیر (۱۳۶۲، ج ۳: ۱۸۴). در حبیب السیر در مورد ذوالفنون چنین می‌نویسد: «مولانا حاجی محمدنقاش، ذوالفنون زمان خود بود و پیوسته به قلم اندیشه، امور غریبه و صور عجیبه بر صحایف روزگار تحریر می‌نمود... از جمله مخترعات مولانا حاجی محمد، صندوق ساعتی است که در کتابخانه امیر نظام‌الدین علی شیر ترتیب نموده در آن صندوق صورتی تعبیه کرده بود که

چوبی در دست داشت و چون یک ساعت از روز می‌گذشت آن پیکر چوب را یک نوبت به نقاره‌ای که در پیش او بود می‌زد و بعد از گذشتن ساعت دوم، دو نوبت آن حرکت می‌کرد...». خواجه میرک نقاش نیز از دیگر هنرمندان شاغل در کتابخانه امیر علی شیر بوده است. از فرزندان حسین بایقرا می‌توان به فریدون حسین میرزا اشاره کرد که در هرات کتابخانه‌ای داشت که یک تعداد از علما و دانشمندان شهیر آن روزگار، با آن مرکز فرهنگی پیوند داشتند (واصفی هروی، ۱۳۴۹، ج ۲: ۱۰۱۱) و کاتبان نقاشان و خوشنویسان ماهر دربار سلطان حسین میرزا را گاهی وادار می‌کرد تا برای کتابخانه او نیز نسخه‌هایی فراهم آورند. نسخه‌هایی که در این کتابخانه استنساخ شده بود امروز در کتابخانه‌های جهان موجود است. ریاست کتابخانه، اول بر عهده نصیرالدین خطاط بود که فرمان کتابداری وی در بدایع‌الوقایع واصفی هروی (قرن ۱۰ ق.) آمده است (افشار، ۱۳۵۳: ۱۶۶) کتابخانه فریدون حسین میرزا نیز کار مشابه کتابخانه‌های دیگر، در تولید علم و دانش آن عصر داشت.

از دیگر کتابخانه‌های هرات، کتابخانه فخری هروی است. فخری هروی اولین مترجم مجالس‌النفایس نوایی است که کتاب مذکور را بنام «لطایف‌نامه» از ترکی ترجمه و به نام شاه اسماعیل صفوی و پسرش سام میرزا که امارت خراسان را داشت مسجل کرد. وی در مقدمه ترجمه خود نام خویش را سلطان محمد بن امیر ضبط کرده است و کتب دیگری نیز به نام‌های جواهر‌العجایب، تحفه‌الحیب و تذکره‌النساء از وی به یادگار مانده است. کتابخانه او در هرات به نام خودش معروف و مشهور بود و بیشتر کتب مورد ضرورت را در آن کتابخانه گرد آورده بود. کتابخانه مدرسه خواجه افضل‌الدین محمد نیز از دیگر کتابخانه‌هاست. خواجه افضل‌الدین محمد از وزرای بزرگ و صاحب بصیرت سلطان حسین بایقرا در سال ۸۷۸ ق. بر مسند وزارت تکیه زد. کارهای کشوری و لشکری را از حسن تدبیر خود بیشتر از پیشتر رونق داد و به دانش و دانشمندان عشق می‌ورزید و در صدد تأسیس مرکز نشر و پخش دانش بود تا آن که در بنا کردن مدرسه‌ای در بیرون درب عراق هرات توفیق یافت و علما و نقبای نخبه و خیره را به منصب تدریس و ارشاد دعوت کرد و در این مدرسه، کتابخانه بزرگی را نیز تأسیس نمود (علیشیر نوایی، ۱۳۲۳: ۱۱۹).

کتابخانه‌هایی که تا به حال از آن‌ها سخن به میان آمد، از همان آغاز تأسیس، غالباً تحت عنوان کتابخانه و با رسالت جمع‌آوری کتب و خدمات‌رسانی به اهل علم و دانش بنا گردیدند، اما در دوران مذکور، مدارس زیادی تأسیس شدند که داشتن کتاب و کتابخانه برای پیشبرد و تسهیل امور آن‌ها ضروری می‌نمود. در این‌جا، اشاره به جایگاه و نقش مؤثر این‌گونه مدارس نیز لازم به نظر می‌رسد.

### کتابخانه‌های مدارس

شاید یکی از مهم‌ترین کتابخانه‌های مدارس، کتابخانه مدرسه جامی باشد. مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی سخنور و شاعر نامی که جزو محققان و نویسندگان بزرگ ایران است، در هرات کتابخانه‌ای معروف و مشهور داشت و خواهر زاده‌اش، خوشنویس معروف، محمد نور و هم‌چنین سلطان‌علی مشهدی و سلطان محمد خندان برای کتابخانه او نسخه‌برداری می‌کردند و به‌خصوص محمد نور آثار او را می‌نوشت و برای پادشاهان و امرای ایران و هند و عثمانی که تقاضای آثار مولانا جامی را داشته‌اند می‌فرستاد. کتابخانه جامی یکی از کتابخانه‌های بزرگ ایران در طول حیات فرهنگی این کشور دیرینه است. در این کتابخانه انواع کتب در زمینه‌های مختلف وجود داشت. جامی نه تنها به مؤلفان کتابخانه بلکه به کسانی که در این کتابخانه به تحقیق و پژوهش می‌پرداختند، مشاھره می‌داد (همایون فرخ، ۱۳۴۷: ۶۹).

مدرسه شاهرخیه نیز کتابخانه‌ای عظیم داشت که ریاست مدرسه و کتابخانه را خواجه علاءالدین چشتی، عارف معروف برعهده داشت (خواندمیر، ۱۳۷۲، ج ۳: ۷). ساختمان این مدرسه در سال ۸۱۳ ق. به اتمام رسید که از شکوه و عظمت بسزائی برخوردار بود (فصیحی خوافی، ۱۳۳۹، ج ۳: ۱۹۶).

از مدارس بزرگ و مهم شهر هرات در سده‌های نهم و دهم قمری. مدرسه بدیعیه است. بنیانگذار این مدرسه، بیکه سلطان بیگم (۸۹۳ ق. / ۱۴۸۸ م.)، همسر سلطان حسین بایقرا و مادر بدیع‌الزمان میرزاست (میرخواند، ۱۳۳۹، ج ۷: ۱۰۸؛ خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۳: ۱۸۲) که بنای آن را به بدیع‌الزمان نسبت داده؛ اما وی ظاهراً به تعمیر آن همت گماشته

بود، از آنجا که خودش پرورده حلقه‌های علمی و هنری هرات بود به فرهنگ و هنر و مراکز پخش و نشر آنها ابراز علاقه‌مندی نشان می‌داد؛ از آن رو، با تأسیس مدرسه و کتابخانه‌ای در جوار آن مدرسه همت گماشت (همانجا).

در روزگار رونق مدرسه بدیعیه، استادان دانشمند و مدرسان ناموری در این مرکز به تدریس مشغول بودند که از آن جمله عبارتند از: ۱. امیر صدرالدین ابراهیم مشهدی (۹۱۹ق.) که در زمره علمای مشهور آن زمان بود و سال‌ها در این مدرسه به تدریس اشتغال داشت (میرخواند، ۱۳۳۹، ج ۷: ۲۸۷) ۲. مولانا فصیح‌الدین محمد نظامی که در دانش‌های معقول و منقول تبحر داشت و در ریاضی و حکمت از جمله سرآمدان عصر خود بود و مدتی سلطان حسین بایقرا نزد او دانش آموخت. از آثار وی می‌توان به حاشیه هدایه در حکمت، حاشیه تذکره شرح اربعین امام نووی، حواشی مطول و مختصر، و چند کتاب دیگر اشاره کرد (همان: ۲۸۸؛ خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۳: ۳۵۲-۳۵۳).

مدرسه گوهرشاد آغا نیز در هرات، از مدارس مشهور این دوره بود که در کمال تکلف و زیبایی بنا شد. مولانا سوسنی و کمال‌الدین مسعود از مدرسان این مدرسه بودند و هر روز بیش از صد طالب علم از محضر آنها بهره می‌بردند (اسفزاری، ۱۳۳۸، ج ۲: ۲۷۱). تعداد کتابخانه‌های مدارس هرات را در قرن نهم هجری بیش از ۳۰ باب نوشته‌اند که ریاست بعضی از آنها را عارفان و عالمان نامداری بر عهده داشتند (همایون فرخ، ۱۳۴۷: ۱۱۲-۱۲۰).

### سازمان کتابخانه‌ها

یکی از نکات قابل توجه در خصوص کتابخانه‌های هرات، نظام تشکیلاتی آن‌ها بوده است که برخی از اصول و قواعد آن، هنوز هم در بسیاری از کتابخانه‌های دنیا به کار گرفته می‌شود. سازمان کتابخانه‌ها نیز چنین بود که هر کتابخانه را کتابداری بود که کتاب‌ها و دیگر نفایس به او سپرده می‌شد. کتابداران از میان دانشمندان و هنرمندانی چون کمال‌الدین بهزاد انتخاب می‌شدند. غیر از کتابدار عده‌ای دیگر از معتمدان شهر به عنوان وکیل و مشرف در کتابخانه‌ها به خدمت اشتغال داشتند و دربانانی بر در کتابخانه

ها گماشته می‌شدند تا تنها طالبان علم را اجازه ورود دهند. در کتابخانه‌های بزرگ وراقانی بودند که کتاب‌هایی را که در کتابخانه نبود از کسانی که آن کتاب‌ها را در اختیار داشتند به امانت گیرند و نسخه‌برداری کنند و صحافی برای جلد کردن کتاب‌ها در خدمت کتابخانه‌ها بودند (شعبانی، ۱۳۸۰: ۱۱).

مهم‌ترین ویژگی این کتابخانه‌ها هنری بودن آنهاست. به این معنی که کتابداران شاغل در کتابخانه‌ها، هر یک به هنری از هنرهای کتاب‌آرایی مشغول بودند. کتابخانه‌های فراوانی که از قرن سوم هجری به بعد در سراسر کشور پدید آمد طبعاً نیازمند کتابداران کارآموده‌ای بود، اما برای تربیت کتابدار، آموزش‌های خاصی پیش‌بینی نشده بود. کتابداران کتابخانه‌های بزرگ مدارس، مساجد و سلطنتی غالباً از میان کتابشناسان، نویسندگان، و هنرمندان برجسته و معروف انتخاب می‌شدند چنان‌که از برخی منابع تاریخی بر می‌آید، آگاهی اجمالی بر دانش‌های روز، کتابشناس بودن، و نیز رعایت امانت و پاکدامنی، شرایط علمی و اخلاقی لازم کتابداران به‌شمار می‌رفت (سباعی، ۱۳۷۲: ۲۷۱-۲۷۲). از خطاطان کتابخانه‌ها می‌توان به مولانا عبدالجمیل؛ و از صحافان و جلدسازان به مولانا میرقریشی، میرسعید متخلص به فغانی، و خواجه قوام‌الدین مجلد اشاره کرد خواندمیر (۱۳۶۲، ج ۴: ۳۴۹). در حبیب‌السیر از شخصی به نام فصیح‌الدین صاحب دارا یاد می‌کند که از فضلالی استرآباد بوده و پس از فوت امیر علیشیر نوایی، متصدی کتابخانه بزرگ وی گردید.

### منصب کتابداری

در هر کتابخانه‌ای یک یا چند نفر کتابدار، وراق و جلدساز و نیز صاحبان مشاغل و مناصب دیگری حضور داشتند که در ثبات و بقاء کتابخانه بسیار مؤثر بودند. منصب کتابداری از مناصب مهمی بود که مسؤولیت نگهداری، مرتب نمودن، و امانت دادن کتاب‌ها به متقاضیان را بر عهده داشت. این نکته که در مواقع بسیاری مؤسسان و بنیان کتابخانه‌های معروف آن دوره، برای تصدی منصب ریاست کتابخانه از عالمان و دانشمندان برجسته‌ای استفاده می‌نمایند که شهره‌ی آفاق بودند، نشان از جایگاه

رفیع آن منصب می‌باشد. مثال بارز چنین انتخابی، انتخاب آقا میرک هروی به ریاست کتابخانه سلطنتی است، از این انتخاب معلوم است که سلطان حسین بایقرا خواسته بود هنرمندانی را برای این شغل برگزیند که در هنرهای مختلف ممارست داشته باشند تا بهتر بتوانند بر هنرمندان دو بخش کتابخانه مدیریت کنند. آقا میرک هروی در تذهیب و تصویر و تحریر (خطاطی) از هنرمندان چیره‌دست به‌شمار می‌رفت. بعضی از هنرمندان نام‌آور کتابخانه، همچون بهزاد، از خویشان و شاگردان او محسوب می‌شدند. آقا میرک در کتابه‌نویسی بر سلطان‌علی مشهدی هم پیشی داشت. ریاست او، که هم بر نقاشی و تذهیب تسلط داشت و هم بر خطاطی و تحریر، می‌توانست منشأ عمل سازنده‌ای در انسجام دو بخش کتابخانه - صورت‌خانه و کتابت‌خانه - داشته باشد، و از ظاهر امر پیداست که چنین پیشرفتی در امور کتابخانه به وقوع پیوسته بود.

گفتنی است که بهزاد ظاهراً از سال ۸۸۵ ق. که فرمان کلانتری کتابخانه سلطنتی را از سلطان حسین بایقرا دریافت کرد، به جای آقا میرک هروی در صدر کتابخانه قرار گرفت. در منشأ الانشاء احمد خوافی، سندی هست که طبق آن ناصرالدین منصور (میر مصور بعدی) به ریاست مصوران و مذهببان و جمیع هنرمندان صورت‌خانه انتخاب شده؛ چون «در صورت‌خانه، به ارباب تذهیب و تصویر ید بیضا نموده، هنرمندی در هرولۀ خیال، در ارباب کمال دست برده» بود (نظامی باخرزی، ۱۳۵۷، ج ۱: ۳۵۲) و هم‌چون کمال‌الدین بهزاد، در تحریر هم مهارت داشت. به‌نظر می‌رسد که منصور پس از دریافت این فرمان، که نوعی امیری بر مصوران بود، به «میرمصور» شهرت یافت. به هر تقدیر، پیداست که پس از بهزاد، وی ریاست صورت‌خانه را برعهده گرفت. قوام‌الدین تبریزی مشهور به قوام‌الدین مجلد که کار اصلی او منبت‌کاری روی جلد بود از او به‌عنوان یکی از هنرمندان و کتابداران کتابخانه بایسنقر در هرات نام برده است (فکری سلجوقی، ۱۳۴۶: ۹۰).

### هنر صحافی و وراقی

از دیگر مسؤولیت‌های مهم برخی از کتابخانه‌های معروف آن دوره، صحافی بود. فنون کتاب‌سازی و کتاب‌آرایی در تمام دوران اسلامی در ایران رواج داشته و گروه زیادی بدان حرفه‌ها اشتغال داشته‌اند. مثلاً وراقی و صحافی در دوره اسلامی از پیشه‌های مهم بود. در بسیاری از شهرها این حرفه چندان رواج داشت - که بازاری مخصوص به آنها موسوم به «بازار وراقان و صحافان» وجود داشته است (افشار، ۱۳۴۴: ۱۱). هنر مجلدگری و صحافی نیز چندان معتبر بود که در بعضی از شهرها، نام بازار صحافان، هم‌طراز نام بازارهایی بود که صاحبان پیشه‌های مهم‌تر در آنها کسب و کار داشتند. در دوره تیموری به‌رغم آن که کار صحافی و جلدسازی در مکان‌هایی به‌جز کتابخانه‌ها هم انجام می‌پذیرفته، ولی جلدهای نفیس برجای مانده و صحافان مشهور این عصر، حکایت از آن دارد که تحولات عمده در این هنر، در کتابخانه‌ها و به‌ویژه در آن گروه از کتابخانه‌هایی صورت گرفته که وابسته به دربار شاهان و شاهزادگان بوده است. به‌نظر می‌رسد کار صحافی در قرن نهم هجری قمری در گونه‌های متفاوت انجام می‌شده است به‌طوری که کتابخانه‌ها محل فعالیت صحافانی بوده که در دربار سلاطین و شاهزادگان و امیران به هنرآفرینی مشغول بوده‌اند. به بیان دیگر، این گروه جزو کارکنان کتابخانه به‌شمار می‌آمده‌اند. مستندترین مطلبی که در این خصوص وجود دارد، گزارش یا عرضه‌داشت جعفر بایسنقری، خوشنویس نامی و رئیس کتابخانه بایسنقر در هرات است که خطاب به مقام مافوق خود نوشته و در آن از صحافان و پیشرفت کار ایشان هم گزارش می‌دهد (پارسای قدس، ۱۳۵۶: ۴۳). طبیعی است که این گروه به ساخت جلدهای نفیس برای نسخه‌های ارزشمند می‌پرداختند که تعداد قابل توجهی از این نسخه‌ها در موزه‌های معتبر دنیا نگهداری می‌شود. علاقه و ذوق هنری بایسنقر نیز مورد اشاره همه مورخان قرن نهم قمری و سده‌های بعد بوده است. دوست محمد هروی به نقل از نجیب مایل در این باره می‌نویسد:

بایسنقر میرزا استاد سید احمد نقاش و خواجه علی مصور و استاد قوام‌الدین مجلد تبریزی را از تبریز آورده و در هرات مستقر کرد و از آنها خواست تا جنگی شبیه جنگ

سلطان احمد جلایر با همان قطع و مواضع تصویر برای او ترتیب دهند و کتابت آن را نیز بر عهده مولانا فریدالدین جعفر نهاد (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۹۶۲).

یادداشتی به خط جعفر بایسنقری در دست است که از کارکرد کتابخانه سلطنتی هرات حکایت دارد و این که کتابخانه هرات هم چون کتابخانه ربع رشیدی و یا کتابخانه سلاطین آل جلایر کارکردی دو سویه داشته است در این یادداشت آمده «کتابخانه که جهت نقاشان بنیاد نهاده تکمیل یافته و نقاشان و کاتبان نزول کرده» (کریمزاده تبریزی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۹۱). از این عبارت پیداست که عمارت ویژه‌ای از برای کارکنان کتابخانه بنا شده و هنرمندان در آن جا مشغول به کار شده‌اند.

علاوه بر کتابخانه‌ی بایسنقری، در کتابخانه‌ی عظیم شاهرخ میرزا نسخه‌های خطی فراوانی گرد آمده بود. در این کتابخانه، نسخه‌های خوشنویسی شده و مزین تهیه می‌شدند. بر خلاف امیر تیمور که به قصد سیطره بر چین لشکرکشی و در راه هلاک می‌شود، شاهرخ با مصلحت پسرش بایسنقر و به هدف برقراری روابط دوستانه‌ی فرهنگی با سرپرستی غیاث‌الدین نقاش گروهی را به چین می‌فرستد. این گروه در کنار انجام وظایف رسمی و دولتی، با صحافان و شیوه‌ی ساختن مقوا با اصول جدید آشنا می‌شوند (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۸۰۳).

کتابخانه امیر علیشیر نوایی نیز که از مهمترین کتابخانه‌های زمان خود محسوب می‌گردید و مشتمل بر تعداد زیادی از نفایس کتب و رسائل بوده، به وسیله ماهرترین خوشنویسان و تذهیب‌کاران نوشته شده و تزئین گردیده بود (اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۹).

از فعالیت‌های دیگری که در کتابخانه‌ها انجام می‌پذیرفته، نگارش آثاری بوده که به سفارش امرای تیموری و یا دست‌اندرکاران کتابخانه نوشته می‌شده است. بدیهی است با توجه به قرار داشتن کتابخانه‌ها در دربار سلاطین، دسترسی به مجموعه آنها کاری آسان نبوده است و اشخاصی اجازه استفاده از کتابخانه را داشته‌اند که یا خود صاحب منصبی بوده و یا این که به‌دستور مقامات، مشغول تحقیق و تألیف بوده‌اند. مرکز علمی و فرهنگی که در نیمه‌ی دوم قرن ۱۵ میلادی در ایران تهیه نسخ خطی و هنر کتاب‌سازی و کتاب‌آرایی سهم‌نمایی داشته است، کتابخانه‌ی بزرگ دربار سلطان حسین بایقرا



است. تعدّد و رونق کتابخانه‌ها در زمان این پادشاه ادیب و شاعر سبب گردیده تا آثار مربوط به وی به نحو قابل توجهی بیشتر از دیگر شاهان باشد. فخری هروی (۱۳۴۴: ۳۹). در مورد سلطان حسین بایقرا چنین می‌آورد: «در کار سلطنت آن حضرت، فضلا و هوشمندان تاریخ دویست نامه نوشته‌اند و در میان اهل عالم اظهر من الشمس است». خواندمیر در خلاصه الاخبار از نقاشان و هنرمندان عصر خود هم‌چون بهزاد که در کتابخانه سلطان حسین میرزا کار می‌کردند نام برده است. به هر تقدیر، با روی کار آمدن سلطان حسین بایقرا در هرات و علاقه وافر او به هنر و هنرپروری و فضل و دانش و ادب، بار دیگر موجبات شکل‌گیری کتابخانه سلطنتی را فراهم آورد و حضور دانشوران دیگری چون امیر علی‌شیر نوایی در هرات و تشویق و ترغیب هنرمندان و ادیبان و سخنوران بر ابعاد فعالیت‌های هنری افزود و کیفیت آثار هنری را ارتقا داد. کتابخانه سلطنتی با جذب هنرمندان از مناطق مختلف تشکیلاتی منسجم یافت و در دو بخش صورت‌خانه و کتابت‌خانه آن، با حضور هنرمندان ماهر و متبحر، آثاری ماندگار در قلمرو تصویر و کتابت پدید آمد.

آثار دیگری نیز از کتابخانه بایسنقر برجای مانده است. از جمله نسخه‌ای از تاریخ سنی ملوک‌الارض و الانبیاء تألیف حمزه بن حسن اصفهانی (۳۶۰-۲۸۰ ق.) در کتابخانه بریتانیا و دیگر دو صفحه بزرگ از مرقع بهرام میرزا صفوی در کتابخانه توپ‌کاپی سرای که هر دوی این آثار به خط جعفر تبریزی بوده و عبارت «برسم خزانه الکتب السلطان الاعظم الاعدل الاکرم بایسنقر بهادرخان خلدالله تعالی ملکه و سلطانه» در آنها نوشته شده است (بیانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۰۵۴).

خط و خوشنویسی هم در کتابخانه‌های هرات به صورت جدی انجام می‌شد. این هنر در زمان سلطان حسین بایقرا به اوج خود رسید که مهم‌ترین دلیل آن توسعه کتابخانه‌های بزرگ در شهر هرات و نگاشتن کتاب در زمینه‌های علمی، تاریخی، هنری و مذهبی بود که می‌بایست در کتابخانه سلطنتی و سایر کتابخانه‌ها جای گیرد. در کتابخانه‌های هرات فن کتابت و خوشنویسی با جدیت و اهتمام زیاد بیش از گذشته تدریس می‌شد. هنرمندان این فن و حرفه مورد توجه خاص سلطان و مشاور مشهورش امیر علیشیر

نوایی و سایر بزرگان بودند، به گونه‌ای که امروزه نمونه‌های بسیار نفیسی از خوشنویسی این دوران در دست است (دانشگاه کمبریج، ۱۳۸۲: ۴۰۵-۴۰۶). شاید یکی از مشهورترین خوشنویسان کتابخانه‌های هرات، سلطان‌علی مشهدی باشد که به قول میرزا سنگلاخ (۱۳۹۱: ۸۴) «در حسن و جمال، بدیع الزمان بود». ابوسعید تیموری با شنیدن آوازه سلطان‌علی او را به هرات دعوت کرد و پس از قتل وی، سلطان حسین بایقرا او را در کتابخانه سلطنتی به کار گماشت (خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۳: ۳۸۶).

### نتیجه

از آن جایی که امر آموزش و ایجاد و گسترش مراکز علمی، آموزشی در دوره تیموری مورد توجه گروه‌های مختلف از جمله سلاطین و شاهزادگان، وزراء و امرا قرار گرفت، شاهد تأسیس و گسترش مراکز آموزشی از جمله کتابخانه‌ها و مدارس و مکاتب هنری مختلف در قلمرو آنها مخصوصاً هرات می‌باشیم. در این شهر نهادهای آموزشی فراوانی وجود داشت که در آن طلاب و دانشجویان به آموزش می‌پرداختند. در کتابخانه‌ی برخی از پادشاهان، امرا، و وزرای هنردوست، همیشه گروهی از کاتبان، نسخه‌پردازان، نقاشان، تذهیب‌کاران، و صحافان مشغول به کار بودند. امر آموزش اختصاص به مکان خاصی نداشت و در هر مکانی که عهده‌ای طلاب دور هم جمع می‌شدند مدرسی نیز حضور پیدا می‌کرد و به تدریس آنها می‌پرداخت که این نشانگر اهمیت علم و دانش در این دوره بوده است. وجود وزرای دانشمند و با تدبیر نیز موجب دلگرمی و تشویق نویسندگان و هنرمندان بود و برخی از آنها خود عالم، هنرشناس، و شیفته دانش و هنر بودند. باید به این حقیقت اذعان کرد که در آن دوره، در هرات کتابخانه‌هایی تأسیس گردید که تقریباً تمام کتب مورد احتیاج علاقه‌مندان به علم و دانش در آن‌ها گرد آمده و به سهولت قابل دسترسی بود. در کتابخانه‌های مذکور بیش از هر چیز کتاب‌هایی را می‌توان یافت که هر روز دانشمندان به آن‌ها مراجعه و در تهیه و تدوین آثار خود از آن‌ها استفاده می‌کردند.

## منابع

۱. اسفرازی، معین الدین محمد زمچی (۱۳۳۸). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه الیهرات*. به کوشش محمد کاظم امام. تهران: دانشگاه تهران.
۲. اصفهانی، میرزا حبیب ... (۱۳۶۹). *تذکره‌ی خط و خطاطان*. رحیم چاوشی اکبری. تهران: مستوفی.
۳. افشار، ایرج (۱۳۴۴). *سیر کتاب در ایران*. تهران: امیرکبیر.
۴. ----- (۱۳۵۳). "کتابداری در کتابخانه‌های قدیم ایران". *بررسی‌های تاریخی*، سال نهم، ش ۲ (خرداد و تیر): ۱۵۱-۱۷۰.
۵. براون، ادوارد (۲۵۳۷). *تاریخ ادبی ایران از سعدی تا جامی*، ج ۳. ترجمه و حواشی به قلم علی اصغر حکمت. تهران: امیرکبیر.
۶. بیانی، خانابا (۱۳۵۰). "شاهنامه بایسنغری و حافظ ابرو مورخ دربار تیموری". *بررسی‌های تاریخی*، سال ششم، ش ۳ (مرداد و شهریور): ۱۵۷-۱۸۲.
۷. بیانی، مهدی (۱۳۶۳). *احوال و آثار خوشنویسان*. تهران: علمی.
۸. پارسای قدس، احد (۱۳۵۶). "سندی مربوط به فعالیت‌های هنری دوره تیموری در کتابخانه بایسنغری هرات". *هنر و مردم*، سال پانزدهم، ش ۱۷۵ (اردیبهشت): ۴۲-۵۰.
۹. حافظ ابرو (۱۳۸۰). *زبدۃ التواریخ*، ج ۱. با مقدمه و تصحیح سید کمال حاج سید جوادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. حبیبی، عبدالحی (۱۳۵۵). *هنر عهد تیموریان و متفرعات آن*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۱. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۶۲). *حبیب‌السیر فی الاخبار افراد البشر*. به تصحیح محمد دبیر سیاقی. تهران: خیام.
۱۲. ----- (۱۳۷۲). *مآثرالملوک به ضمیمه خاتمه خلاصه الاخبار و قانون همایونی*. به تصحیح میرهاشم محدث. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
۱۳. سام میرزا (۱۳۸۴). *تحفه سامی*. تهران: اساطیر.

۱۴. دانشگاه کمبریج (۱۳۸۲). *تاریخ ایران: دوره تیموریان*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: جامی.
۱۵. سباعی، محمد مکی (۱۳۷۲). *نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی*. ترجمه علی شکویی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۶. سمرقندی، دولت‌شاه بن بختیشاه (۱۳۳۸). *تذکره الشعراء*. به کوشش محمد رضانی. تهران: کلاله خاور.
۱۷. سمرقندی، عبدالرزاق بن اسحاق (۱۳۶۰). *مطلع السعدین و مجمع البحرین*. ج ۲. به تصحیح محمد شفیع. لاهور: چاپخانه گیلانی.
۱۸. شعبانی، احمد (۱۳۸۰). *کتابخانه و کتابداری*. آبادان: پرسش.
۱۹. علیشیر، نوایی (۱۳۲۳). *مجالس النفایس*. به کوشش علی اصغر حکمت. تهران: کتابخانه منوچهری.
۲۰. فخری هروی، محمدبن امیر (۱۳۴۴). *تذکره روضه السلاطین*. به کوشش عبدالرسول خیامپور. تهران: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
۲۱. فصیحی خوافی، احمد بن محمد (۱۳۳۹). *مجمل التواریخ*. به کوشش محمود فرخ. مشهد: طوس.
۲۲. فکری سلجوقی، عبدالرئوف (۱۳۴۶). "دیباچه‌ی دوست محمد کتابدار هروی در احوال هنروران". *مجله آریانا*. ش ۲۷۱ (خرداد و تیر): ۸۸-۹۶.
۲۳. قزوینی، یحیی بن عبداللطیف (۱۳۶۳). *لب التواریخ*. تهران: گویا.
۲۴. کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی (۱۳۷۶). *احوال و آثار نقاشان قدیم ایران*. ج ۳. تهران: مستوفی.
۲۵. گلاسن، اریکا (۱۳۶۲). *بایقرا*. دانشنامه جهان اسلام، ج ۲. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی: ۲۰۶-۲۰۷.
۲۶. مایل هروی. نجیب (۱۳۷۲). *کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی: "واژگان نظام کتاب‌آرایی"*. مشهد: آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۲۷. میرخواند، محمدبن سید برهان‌الدین خاوندشاه (۱۳۳۹). *روضه الصفا*. تهران: کتابفروشی‌های مرکزی.
۲۸. میرزا سنگلاخ (۱۳۹۱ق.). *تذکره الخطاطین*. تهران: چاپ سنگی.
۲۹. نظامی باخزری. *عبدالواسع بن جمال‌الدین (۱۳۵۷)*. منشأ الانشاء. به کوشش رکن‌الدین همایون فرخ. تهران: دانشگاه ملی ایران.
۳۰. واصفی هروی، زین‌الدین محمود (۱۳۴۹). *بدايع الوقایع*. به کوشش الکساندر بولدیروف. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۳۱. همایون فرخ، رکن‌الدین (۱۳۴۷). *کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران از صدر اسلام تا عصر کنونی*. تهران: وزارت فرهنگ و هنر، اداره کل نگارش.
۳۲. هینتس، والتر (۱۳۶۲). *تشکیل دولت ملی در ایران: حکومت آق‌قویونلو و ظهور دولت صفوی*. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. تهران: خوارزمی.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی